

## بررسی و مقایسه عوامل شخصیت در دانشجویان استعدادهای درخشان و غیراستعدادهای درخشان دانشگاه اصفهان\*

شعله امیری، استادیار گروه روانشناسی دانشگاه اصفهان  
s.amiri@edu.ui.ac.ir

### چکیده

این پژوهش به بررسی و مقایسه عوامل شخصیت در دانشجویان استعدادهای درخشان و غیراستعدادهای درخشان دانشگاه اصفهان پرداخته است. به این منظور ۳۱ نفر از دانشجویان استعدادهای درخشان و ۳۱ نفر از دانشجویان غیراستعدادهای درخشان به طور تصادفی انتخاب شدند و آزمون ۱۶ عاملی شخصیت کتل و پرسشنامه ای حاوی اطلاعات فردی و خانوادگی در اختیار آنان گذاشته شد. داده های با استفاده از تحلیل واریانس (یک طرفه) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که تفاوت‌های معناداری در عوامل B (هوش عمومی در مقابل نارسایی عقلی)، I (حساسیت هیجانی در مقابل زمختی رشد یافتگی)، و M (کولی‌گری در مقابل رغبت‌های عملی) بین دو گروه مشاهده شد. تفاوت میانگین‌ها نشان داد که در عامل B میانگین نمرات دانشجویان استعدادهای درخشان بیشتر از گروه دانشجویان غیراستعداد درخشان است. در عامل I نیز میانگین نمرات دانشجویان استعدادهای درخشان بیشتر از گروه دانشجویان غیراستعداد درخشان است؛ به عبارت دیگر، حساسیت هیجانی گروه استعداد درخشان بیشتر است. در عامل M میانگین نمرات گروه دانشجویان غیراستعداد درخشان بیشتر از گروه دانشجویان استعداد درخشان است، که مبین کولی‌گری بیشتر در دانشجویان غیراستعداد درخشان است. علاوه بر این تفاوت‌های معناداری در معدل و تحصیلات پدر و مادر دانشجویان دو گروه مشاهده شد. تفاوت میانگین‌ها نشان داد که معدل و تحصیلات پدر و مادر دانشجویان استعدادهای درخشان بیشتر از دانشجویان غیراستعدادهای درخشان بوده ( $P < 0.05$ ) ولی تفاوتی از نظر میزان درآمد خانواده و سن بین دو گروه مشاهده نشده است.

**واژه های کلیدی:** عوامل شخصیت، استعدادهای درخشان، معدل، سن، تحصیلات والدین، درآمد خانواده.

## مقدمه

امروزه روش‌های مختلفی برای شناسایی و تشخیص افراد تیزهوش یا گروهی که زیر عنوان استعداد‌های درخشان اشتهار یافته‌اند، به کار گرفته می‌شود. یکی از این روش‌ها استفاده از ویژگی‌های شخصیتی است. همان‌گونه که ویژگی‌های شناختی و از جمله هوش در این گروه با سایر افراد متفاوت است، می‌توان تصور نمود که ویژگی‌های شخصیتی این افراد نیز می‌تواند متفاوت باشد.

برای مطالعه شخصیت روی آورده‌های متفاوتی وجود دارد که یکی از مهمترین آنها روی آورد تحلیل عاملی است. مای لی<sup>۱</sup> (۱۳۶۸) روش تحلیل عوامل را روش تحلیل ریاضی همبستگی‌ها بین گروهی از داده‌ها می‌داند. اگرچه اسپیرمن<sup>۲</sup> برای اولین بار از روش تحلیل عوامل استفاده نمود، اما ریموند کتل<sup>۳</sup>، یکی از مشهورترین روانشناسانی است که پژوهشهایی را بر اساس روش مذکور انجام داده است؛ از جمله این پژوهشها، پژوهشی است که درباره شخصیت صورت پذیرفته است. به اعتقاد او "شخصیت چیزی است که اجازه می‌دهد پیش بینی کنیم آدمی در اوضاع و احوال معین چه رفتاری خواهد داشت" (سیاسی، ۱۳۶۷، ص ۳۱۸). کتل برای تعیین رگه‌های اصلی، اطلاعاتی را که از طریق شرح حال، ارزشیابی خویشتن، و تستهای عینی به دست آورده بود، مورد تحلیل عوامل قرار داد و به تعیین ۱۶ رگه یا عامل اصلی دست یافت که به عنوان آزمون ۱۶ عاملی اشتهار دارد.

بر اساس نظریه ریخت‌شناسی یونگ<sup>۴</sup>، سک<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) به بررسی ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان تیزهوش پرداخته است. اگرچه این گروه در بین خود نیز ویژگی‌های متفاوتی داشتند، ولی به عنوان یک گروه، تفاوت‌هایی با جمعیت غیر تیزهوش داشتند. ریخت‌رایج نوجوانان تیزهوش در این مطالعه ریخت‌شهودی بود.

برخی تلاش‌های پژوهشی (گلدبرگ<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳) در پی دستیابی به آنچه امروزه شخصیت تیزهوشی نامیده می‌شود، هستند که از آن به عنوان معیار تشخیصی می‌توان استفاده نمود. از جمله این تحقیقات می‌توان به بررسی‌های ون لی شات<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۰) و شوقسنی<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۴)

- 
1. Meili
  2. Spearman
  3. Cattell
  4. Jung
  5. Sak
  6. Goldberg
  7. Vanlieshout
  8. Shaughnessy

اشاره نمود که تیزهوشی را در قلمرو شخصیت مورد بررسی قرار داده اند. بر اساس این دیدگاه، سرآمدی هوشی بخشی از شخصیت تیزهوشی است و درست مثل تیزهوشی، شخصیت نیز چند وجهی است. به عبارت دیگر، همچنان که به طور سنتی از هوش به عنوان یک معیار تشخیصی استفاده شده، شخصیت تیزهوشی نیز می تواند به عنوان موضوعی که در دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است، مد نظر قرار گیرد. به طوری که ون لی شات (۲۰۰۰) در بررسی خود عنوان نموده، کودکان و نوجوانانی که «من» انعطاف پذیری داشته، به عنوان تیزهوش در نظر گرفته شده اند، چرا که آنان نیمرخ شخصیتی خاصی را ارائه نموده اند. این گروه از کودکان و نوجوانان تفاهم قابل ملاحظه و پایداری هیجانی نشان دادند.

ارلیچ<sup>۱</sup> (۱۳۷۲) در فهرست ویژگیهایی که تیزهوشان در آنها برتری دارند، به ثبات شخصیت اشاره و عنوان نموده است که این گروه نسبت به همسالان خود شخصیت مطلوبتری داشته، دارای شخصیتی مصمم و قوی هستند. پرت<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) ویژگیهای رفتاری و هیجانی این گروه را حساسیت هیجانی، آگاهی از متفاوت بودن، اعتماد به نفس قوی، کمال گرایی، حساسیت بیش از حد به انتقاد، ناکامی، پذیرش مسئولیت، و عدم همرنگی می داند. رنزولی<sup>۳</sup> (به نقل از هالاهان و کافمن، ۱۳۷۲) نیز عنوان کرده است که افراد سرآمد حداقل چهار مجموعه ویژگی اساسی داشته که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند: استعدادهای عمومی، التزام جدی به انجام کار، سطح عالی خلاقیت، سازمان مستحکم شخصیت. بر اساس چنین دیدگاهی است که آزمونهای هوشی را نمی توان به تنهایی مشخص کننده سرآمدی افراد دانست، بلکه باید ابزارهای دیگری را نیز در تشخیص افراد سرآمد به کار گرفت. بنابراین بر خلاف گذشته، در تشخیص سرآمد بودن نباید به اندازه گیری هوش بهر افراد اکتفا کرد، زیرا در آن صورت تفاوت های محیطی و فرهنگی و یادگیری سبک زندگی افراد و سازمان شخصیت آنان، که تأثیر انکارناپذیری در بروز خصوصیات سرآمد بودن دارد، نادیده گرفته خواهد شد.

---

1. Erlich  
2. Porter  
3. Renzulli  
4. Halahan & Kauffman

بایرلی<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) در بررسی خود بر روی دو گروه از نوجوانان تیزهوش و غیر تیزهوش به این نکات اشاره نموده است: گروه تیزهوش زودتر به تفکر جهت یافته<sup>۲</sup> دست می‌یابند. آنها همچنین ترجیح بیشتری در تفکر دربارهٔ قضاوت‌های خود داشتند. علاوه بر این، آنها تحلیل را ترجیح داده، و امور را در یک نظم منطقی قرار می‌دهند و نسبت به گروه غیر تیزهوش غیر شخصی‌تر، مؤدب‌تر هستند و بر فکر خود تأکید بیشتری دارند. اکثر نوجوانان تیزهوش دریافت کردن را بر قضاوت کردن ترجیح می‌دهند. این مسأله موجب بازتر بودن نسبت به موقعیت‌های مخالف، و جدی‌تر و کنجکاوتر بودن نسبت به موقعیت‌های جدید می‌گردد. همچنین جهت‌گیریهای معناداری در جنسیت گروهها و توانایی گروهها در مقیاسهای شهودی- دریافتی<sup>۳</sup> و تفکری- احساسی<sup>۴</sup> وجود دارد. زنان تیزهوش از نظر درونگردي و ادراکات نمرات بالاتری به دست آوردند.

شوقسنی و همکاران (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای بین‌المللی که بر روی افراد تیزهوش کرهٔ شمالی، آمریکا، فنلاندی و اسلواکی انجام دادند، از آزمون ۱۶ عاملی کتل جهت بررسی نیمرخ شخصیتی که با تیزهوشی همراه است، استفاده نمودند. نتایج نشان می‌دهد که آزمودنیها در عوامل A (ادواری خوئی در مقابل گسیخته خوئی)، C (پایداری هیجانی یا نیرومندی «من» در مقابل نورزگرایی عمومی)، E (سلطه یا استیلا در مقابل اطاعت و تسلیم)، H (ادواری خوئی متهورانه در مقابل گسیخته خوئی اساسی و در خود فروماندن)، I (حساسیت هیجانی در مقابل زمختی رشد یافتگی)، L (گسیخته خوئی پارانویاگونه در مقابل در دسترس بودن اعتماد آمیز)، N (ظرافت کاری در مقابل سادگی بی ظرافت)، O (بی اعتمادی اضطراب آمیز در مقابل اعتماد توأم با آرامش)، Q2 (خودکفایی در مقابل ناتوانی در اخذ تصمیم)، و Q4 (تنش عصبی)، نمراتی در حد متوسط و در عوامل B (هوش عمومی در مقابل نارسایی عقلی)، F (برونگردي در مقابل نابرونگردي)، و M (کولی‌گری در مقابل رغبت‌های عملی) بالاتر از متوسط و در عامل Q1 (بنیاد گرایی در مقابل محافظه‌کاری) کمی بالاتر از متوسط قرار گرفتند، اما در عوامل G (خلق

---

1. Bireley  
 2. Thinking- oriented  
 3. Intuition – sensing  
 4. Thinking- feeling

استوار در مقابل خلق نارس و وابسته) و Q3 (مهار کردن اراده و پایداری خلق و خو) نمراتی پایین تر از میانگین به دست آوردند.

کتل (۱۹۹۳) در بررسی خود که بر روی افراد فوق العاده خلاق در رشته های فیزیک، زیست‌شناسی، روانشناسی، هنر و ادبیات انجام داد، به این نتیجه دست یافت که به غیر از هوش وجه تمایز شخصیتی این افراد نسبت به افراد متوسط در اثربخشی، درونگرایی، و سلطه است. در ایران اکثر پژوهش‌هایی که در خصوص استعدادهای درخشان انجام گرفته، بر روی نوجوانان صورت گرفته است؛ از جمله می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود:

کاظمی (۱۳۷۶) در بررسی خصایص شخصیتی نوجوانان مستعد در دو محیط آموزشی سمپاد<sup>۱</sup> و مدارس خاص به این نتایج دست یافت: دانش آموزان مستعد سمپاد در مقایسه با مدارس خاص تحمل و خواری شماری کمتری دارند. پسران مستعد سمپاد خودکفایی بیشتر، تمکین و نظم کمتر، در رفتار با دیگران دقت کمتر و مددجویی، خواری شماری، تحمل کمتر و کولی‌گری بیشتری نمایان می‌سازند. دختران مستعد سمپاد خودمختاری و هوش عمومی بیشتر، و خواری شماری و سلطه کمتری نشان می‌دهند. نمکی (۱۳۷۶) در مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر تیزهوش و عادی به این نتایج دست یافت: تفاوت‌های معناداری بین مؤلفه‌های شخصیتی در دو گروه تیزهوش و عادی مشاهده شد. آنها در مؤلفه‌های پیشرفت، خودنمایی، خودمختاری، دقت در رفتار دیگران، برتری طلبی، مهرورزی، تنوع طلبی و تحمل، مثبت و در تمکین منفی بودند. تفاوت‌های بین دو جنس عبارت است از: پرخاشگری در بیشتر پسرها و تنوع طلبی و تمکین در بیشتر دخترها.

با توجه به نیاز موجود جامعه به شناسایی و استفاده بیشتر از توانمندی‌های گروه استعدادهای درخشان، هدف اصلی پژوهش شناسایی، تعیین و مقایسه عوامل شخصیت، معدل، سن، میزان تحصیلات والدین و میزان درآمد خانواده دانشجویان استعدادهای درخشان و غیراستعداد درخشان دانشگاه اصفهان بوده است. بر این اساس، پنج سؤال پژوهشی به بررسی تفاوت‌های ممکن بین دو

گروه در متغیرهای مطرح شده پرداخته است. از آنجا که شخصیت بعد از نوجوانی به استقرار کامل می‌رسد، پرداختن به بررسی شخصیت بعد از نوجوانی ضروری است.

## روش

جامعه مورد نظر دانشجویان استعداد‌های درخشان و غیر استعداد‌های درخشان دانشگاه اصفهان بودند. منظور از دانشجوی استعداد درخشان دانشجویی است که از طرف شورای هدایت استعداد‌های درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان استعداد‌های درخشان معرفی شده و در دانشگاه اصفهان تحصیل می‌نماید و دانشجوی غیر استعداد درخشان دانشجویی است که در دانشگاه اصفهان پذیرفته شده، در حالی که جزو دانشجویان استعداد‌های درخشان و دانشجویان ممتاز نبود.

از بین دانشجویان، ۳۱ دانشجوی استعداد درخشان و ۳۱ دانشجوی غیر استعداد درخشان دانشگاه اصفهان به صورت تصادفی انتخاب شدند. تعداد کل نمونه مورد نظر ۶۲ دانشجو بودند که از گروه‌های مختلف انتخاب شدند. میانگین سنی گروه‌ها در بخش نتایج اشاره شده است. از آنجا که تعداد کثیری از دانشجویان استعداد‌های درخشان دانشگاه اصفهان را دختران تشکیل می‌دهند، به همین دلیل در نمونه‌گیری دانشجویان غیر استعداد درخشان سعی شده است که این نکته لحاظ گردد.

ابزار مورد استفاده آزمون ۱۶ عاملی شخصیت کتل و پرسشنامه محقق ساخته است. آزمون کتل در شمار آزمون‌هایی است که کلیه سؤالات آن از لحاظ عواملی که می‌خواهند اندازه‌گیری کنند، اشباعند، هر یک از عوامل آن با عوامل نخستین شخصیت مطابقت می‌کند. این آزمون از ۱۸۷ سؤال تشکیل شده است و توسط دادستان و منصور (کراز، ۱۳۶۸) برای جامعه ایران هنجار‌گزینی شده است. پاسخها از سه بخش الف، ب، و بین این دو تشکیل شده است. عوامل شانزده گانه در سرتا سر تست پراکنده شده‌اند. هر سؤال فقط می‌تواند به حساب یک عامل نمره بیاورد. هر پاسخ بر حسب آنکه خوب، در وسط، یا بد باشد به ترتیب دو، یک، و صفر نمره گذاری می‌شود. فقط در مورد عامل B (هوش عمومی در مقابل نارسایی عقلی) استثناست، چه در این عامل جواب صحیح یک نمره دارد و نمره جوابهای دیگر صفر است.

پرسشنامه ویژگیهای فردی و خانوادگی حاوی اطلاعات (سن، معدل نیمسال قبل دانشجو، سال ورود به دانشگاه، درآمد خانواده در ماه، و تحصیلات والدین) هر آزمودنی بود. معدل، میانگین نمرات دانشجو در نیمسال گذشته بوده، میزان درآمد خانواده در طی یک ماه از جمله اطلاعات دیگری است که به درجاتی تقسیم شدند: زیر ۲۰۰ هزار تومان، بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان، بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان، و بیش از ۸۰۰ هزار تومان که در نمره گذاری به ترتیب اعداد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ نمره گذاری شدند. میزان تحصیلات والدین به صورت بی سواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری که از یک تا هشت نمره گذاری شدند نیز از طریق پرسشنامه محقق ساخته مورد بررسی قرار گرفت.

روش جمع آوری اطلاعات به صورت فردی بوده است. پس از مشخص شدن نمونه، ابتدا پرسشنامه محقق ساخته و سپس آزمون ۱۶ عاملی در اختیار آزمودنیها قرار گرفت و از آنها خواسته شد که مطابق با دستورالعمل آزمون به آن پاسخ دهند.

### نتایج

به منظور تحلیل داده‌ها و بررسی معناداری تفاوت دو گروه از روش تحلیل واریانس استفاده شد. میانگین و انحراف معیار دو گروه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگیهای توصیفی متغیرهای سن، تحصیلات والدین، معدل، درآمد خانواده، و عوامل شخصیت در دو گروه دانشجویان استعدادهای درخشان و عادی

| متغیرها     | گروه              | میانگین | انحراف معیار |
|-------------|-------------------|---------|--------------|
| سن          | غیراستعداد درخشان | ۲۰/۳۵۴۸ | ۱/۵۳۹۴       |
|             | استعداد درخشان    | ۱۹/۸۳۸۷ | ۱/۱۸۵۹       |
|             | کل                | ۲۰/۰۹۶۸ | ۱/۳۸۷۴       |
| تحصیلات پدر | غیراستعداد درخشان | ۳/۸۳۸۷  | ۱/۵۰۷۷       |
|             | استعداد درخشان    | ۴/۲۵۸۱  | ۱/۴۱۳۵       |
|             | کل                | ۴/۵۴۵۸  | ۱/۶۱۶۳       |
| متغیرها     | گروه              | میانگین | انحراف معیار |
|             | غیراستعداد درخشان | ۳/۴۵۱۶  | ۱/۲۸۶۸       |
|             | استعداد درخشان    | ۴/۱۹۳۵  | ۱/۱۳۷۸       |

|        |         |                    |               |
|--------|---------|--------------------|---------------|
| ۱/۲۶۱۳ | ۳/۸۲۲۶  | کل                 |               |
| ۱/۰۵۲۰ | ۱۵/۵۹۸۴ | غیر استعداد درخشان | معدل          |
| ۰/۹۱۲۲ | ۱۷/۱۷۹۴ | استعداد درخشان     |               |
| ۱/۲۶۰۴ | ۱۶/۳۸۸۹ | کل                 |               |
| ۱/۰۳۵۹ | ۱/۸۳۸۷  | غیر استعداد درخشان | درآمد خانواده |
| ۰/۹۹۷۸ | ۲/۰۶۴۵  | استعداد درخشان     |               |
| ۱/۰۱۵۱ | ۱/۹۵۱۶  | کل                 |               |
| ۳/۷۲۵۵ | ۹/۲۹۰۳  | غیر استعداد درخشان | عامل A        |
| ۳/۷۳۰۴ | ۸/۱۲۹۰  | استعداد درخشان     |               |
| ۳/۷۴۳۴ | ۸/۷۰۹۷  | کل                 |               |
| ۲/۱۵۰۸ | ۹/۶۷۷۴  | غیر استعداد درخشان | عامل B        |
| ۲/۹۷۷۰ | ۱۰/۹۳۵۵ | استعداد درخشان     |               |
| ۲/۶۵۲۵ | ۱۰/۳۰۶۵ | کل                 |               |
| ۳/۵۰۴۲ | ۱۳/۷۰۹۷ | غیر استعداد درخشان | عامل C        |
| ۳/۱۹۲۱ | ۱۴/۵۴۱۶ | استعداد درخشان     |               |
| ۳/۳۴۵۲ | ۱۴/۰۸۰۶ | کل                 |               |
| ۲/۳۷۶۰ | ۱۱/۳۸۷۱ | غیر استعداد درخشان | عامل E        |
| ۳/۵۶۶۰ | ۱۱/۴۱۹۴ | استعداد درخشان     |               |
| ۳/۰۰۵۲ | ۱۱/۴۰۳۲ | کل                 |               |
| ۳/۰۸۱۳ | ۱۳/۱۹۳۵ | غیر استعداد درخشان | عامل F        |
| ۳/۳۷۳۸ | ۱۲/۸۷۱۰ | استعداد درخشان     |               |
| ۳/۲۰۸۴ | ۱۳/۰۳۲۳ | کل                 |               |
| ۲/۷۳۸۴ | ۱۱/۹۶۷۷ | غیر استعداد درخشان | عامل G        |
| ۲/۴۹۵۶ | ۱۱/۱۹۳۵ | استعداد درخشان     |               |
| ۲/۶۲۷۴ | ۱۱/۵۸۰۶ | کل                 |               |
| ۴/۵۱۵۰ | ۱۳/۵۸۰۶ | غیر استعداد درخشان | عامل H        |
| ۵/۴۸۱۷ | ۱۴/۸۷۱۰ | استعداد درخشان     |               |
| ۵/۰۲۲۶ | ۱۴/۲۲۵۸ | کل                 |               |
| ۳/۲۲۹۹ | ۹/۰۳۲۳  | غیر استعداد درخشان | عامل I        |
| ۲/۶۲۹۴ | ۱۱/۲۲۵۸ | استعداد درخشان     |               |
| ۳/۱۲۳۱ | ۱۰/۱۲۹۰ | کل                 |               |



جدول ۱: ادامه

|              |         |                   |         |
|--------------|---------|-------------------|---------|
| ۲/۹۹۵۰       | ۱۰/۶۴۵۲ | غیراستعداد درخشان | عامل L  |
| ۲/۸۸۳۰       | ۱۱/۶۱۲۹ | استعداد درخشان    |         |
| ۲/۹۵۵۹       | ۱۱/۱۲۹۰ | کل                |         |
| ۳/۰۲۹۶       | ۱۱/۶۱۲۹ | غیراستعداد درخشان | عامل M  |
| ۳/۶۸۶۷       | ۹/۵۱۶۱  | استعداد درخشان    |         |
| ۳/۵۰۹۳       | ۱۰/۵۶۴۵ | کل                |         |
| ۲/۶۰۶۰       | ۹/۴۸۳۹  | غیراستعداد درخشان | عامل N  |
| ۳/۰۱۹۳       | ۸/۸۷۱۰  | استعداد درخشان    |         |
| ۲/۸۱۴۰       | ۹/۱۷۷۴  | کل                |         |
| انحراف معیار | میانگین | گروه              | متغیرها |
| ۴/۶۹۳۲       | ۱۱/۳۲۲۶ | غیراستعداد درخشان | عامل O  |
| ۵/۰۱۴۶       | ۹/۷۰۹۷  | استعداد درخشان    |         |
| ۴/۸۸۴۷       | ۱۰/۵۱۶۱ | کل                |         |
| ۲/۵۳۶۲       | ۱۰/۹۶۷۷ | غیراستعداد درخشان | عامل Q1 |
| ۳/۰۴۸۰       | ۱۱/۰۹۶۸ | استعداد درخشان    |         |
| ۲/۷۸۱۵       | ۱۱/۰۳۲۳ | کل                |         |
| ۳/۳۳۷۶       | ۸/۸۳۸۷  | غیراستعداد درخشان | عامل Q2 |
| ۲/۷۹۲۱       | ۹/۰۶۴۵  | استعداد درخشان    |         |
| ۳/۰۵۳۸       | ۸/۹۵۱۶  | کل                |         |
| ۲/۷۵۱۳       | ۱۳/۶۴۵۲ | غیراستعداد درخشان | عامل Q3 |
| ۳/۱۸۳۰       | ۱۴/۲۵۸۱ | استعداد درخشان    |         |
| ۲/۹۶۶۶       | ۱۳/۹۵۱۶ | کل                |         |
| ۴/۶۶۶۷       | ۱۱/۶۱۲۹ | غیراستعداد درخشان | عامل Q4 |
| ۴/۵۲۱۶       | ۱۰/۳۸۷۱ | استعداد درخشان    |         |
| ۴/۵۹۸۶       | ۱۱/۰۰۰۰ | کل                |         |

نتایج تحلیل واریانس متغیرهای سن، معدل، تحصیلات والدین، درآمد خانواده و عوامل شخصیت در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس برای بررسی متغیرها

| متغیرها       | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F      | معنا داری |
|---------------|---------------|------------|-----------------|--------|-----------|
| سن            | ۴/۱۲۹         | ۱          | ۴/۱۲۹           | ۲/۱۸۷  | ۰/۱۴۴     |
| تحصیلات پدر   | ۳۱/۲۲۶        | ۱          | ۳۱/۲۲۶          | ۱۴/۶۲۲ | ۰/۰۰۰     |
| تحصیلات مادر  | ۸/۵۳۲         | ۱          | ۸/۵۳۲           | ۵/۷۸۴  | ۰/۰۱۹     |
| معدل          | ۳۸/۷۴۲        | ۱          | ۳۸/۷۴۲          | ۳۹/۹۶۲ | ۰/۰۰۰     |
| درآمد خانواده | ۰/۷۹۰         | ۱          | ۰/۷۹۰           | ۰/۷۶۴  | ۰/۳۸۶     |
| عامل A        | ۲۰/۹۰۳        | ۱          | ۲۰/۹۰۳          | ۱/۵۰۴  | ۰/۲۲۵     |
| عامل B        | ۲۴/۵۳۲        | ۱          | ۲۴/۵۳۲          | ۳/۶۳۸  | ۰/۰۶۱     |
| عامل C        | ۸/۵۳۲         | ۱          | ۸/۵۳۲           | ۰/۷۵۹  | ۰/۳۸۷     |
| عامل E        | E-02۱/۶۱۳     | ۱          | E-02۱/۶۱۳       | ۰/۰۰۲  | ۰/۹۶۷     |
| عامل F        | ۱/۶۱۳         | ۱          | ۱/۶۱۳           | ۰/۱۵۵  | ۰/۶۹۶     |
| عامل G        | ۹/۲۹۰         | ۱          | ۹/۲۹۰           | ۱/۳۵۴  | ۰/۲۴۹     |
| عامل H        | ۲۵/۸۰۶        | ۱          | ۲۵/۸۰۶          | ۱/۰۲۳  | ۰/۳۱۶     |
| عامل I        | ۷۴/۵۸۱        | ۱          | ۷۴/۵۸۱          | ۸/۵۹۹  | ۰/۰۰۵     |
| عامل L        | ۱۴/۵۱۶        | ۱          | ۱۴/۵۱۶          | ۱/۶۸۰  | ۰/۲۰۰     |
| عامل M        | ۶۸/۱۴۵        | ۱          | ۶۸/۱۴۵          | ۵/۹۸۶  | ۰/۰۱۷     |
| عامل N        | ۵/۸۲۳         | ۱          | ۵/۸۲۳           | ۰/۷۳۲  | ۰/۳۹۶     |
| عامل O        | ۴۰/۳۲۳        | ۱          | ۴۰/۳۲۳          | ۱/۷۱۰  | ۰/۱۹۶     |
| عامل Q1       | ۰/۲۵۸         | ۱          | ۰/۲۵۸           | ۰/۰۳۳  | ۰/۸۵۷     |
| عامل Q2       | ۰/۷۹۰         | ۱          | ۰/۷۹۰           | ۰/۰۸۳  | ۰/۷۷۴     |
| عامل Q3       | ۵/۸۲۳         | ۱          | ۵/۸۲۳           | ۰/۶۵۸  | ۰/۴۲۱     |
| عامل Q4       | ۲۳/۲۹۰        | ۱          | ۲۳/۲۹۰          | ۱/۱۰۳  | ۰/۲۹۸     |

یافته‌های جدول ۲ تفاوت‌های معناداری ( $p < ۰/۰۵$ ) را در متغیرهای تحصیلات والدین (هم پدر و هم مادر) و معدل نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۱ میانگین گروه استعداد درخشان در متغیرهای مذکور بیشتر از دانشجویان غیر استعداد درخشان است. یافته‌های جدول ۲ تفاوت معناداری را در متغیرهای سن و درآمد خانواده نشان نمی‌دهد. همچنین نتایج تحلیل واریانس تفاوتی در عامل B در سطح ۰/۰۶ بین دو گروه نشان می‌دهد و براساس جدول ۱ میانگین نمرات عامل B یعنی هوش

عمومی در مقابل نارسایی عقلی در دانشجویان استعدادهای درخشان بیشتر است. در عامل I که عبارت است از حساسیت هیجانی در مقابل زمختی رشدیافتگی، تفاوت در سطح ۰/۰۰۵ معنا دار بوده و جدول ۱ نشان می دهد که میانگین این عامل در گروه دانشجویان استعدادهای درخشان بیشتر از دانشجویان غیر استعدادهای درخشان است. در عامل M که کولی گری در مقابل رغبت های عملی است، نتایج در سطح ۰/۰۱ معنا دار است و جدول ۱ نشان می دهد که میانگین نمرات گروه دانشجویان استعدادهای درخشان کمتر از دانشجویان غیر استعدادهای درخشان بوده است. به عبارت دیگر، کولی گری در گروه دانشجویان استعدادهای درخشان کمتر از دانشجویان غیر استعدادهای درخشان و گرایش به رغبت های عملی در گروه نخست بیشتر است. به طور کلی، یافته های به دست آمده صرف نظر از تفاوت های معنادار نشان می دهد که میانگین های عوامل A، F، M، N، O و Q4 در دانشجویان استعدادهای درخشان کمتر از دانشجویان غیر استعدادهای درخشان است و در عوامل B، C، H، I، Q1، Q2 و Q3 میانگین های نمرات دانشجویان استعدادهای درخشان بیشتر از دانشجویان غیر استعدادهای درخشان است.

### بحث و نتیجه گیری

همان طور که در بخش نتایج عنوان شد، گرایش دانشجویان غیر استعداد درخشان به طرف ادواری خویی، برونگردی، کولی گری، ظرافت کاری، بی اعتمادی، و تنش عصبی است و گرایش دانشجویان استعدادهای درخشان به طرف هوش، پایداری هیجانی یا نیرومندی من، ادواری خویی متهورانه، حساسیت هیجانی، گسیخته خویی پارانویا گونه، بنیاد گرایی، خود کفایی، مهار کردن اراده و پایداری خلق و خوست. اما عواملی که بین دو گروه تفاوت معنا داری مشاهده شده عبارت است از عامل B (هوش عمومی در مقابل نارسایی عقلی) و عامل I (حساسیت هیجانی در مقابل زمختی رشد یافتگی) که دانشجویان استعدادهای درخشان میانگین بالاتری را نشان داده اند؛ به عبارت دیگر، گروه اخیر دارای دقت عمل و پشتکار و روشنفکر و با فرهنگند. علاوه بر این، متوقع، ناشکیبا، وابسته، درون نگر، تحلیلی، مهربان، ملایم، دارای رغبت های زیبا شناختی و مجذوب کننده اند. در عامل M که عبارت از غیرمقرراتی، نامعمول، دارای تخیل حساس، کم اطمینان، دارای ظاهر آرام، و دارای هیجان هیستریکی است، نیز تفاوت معنا داری بین دو گروه مشاهده شد

که میانگین گروه غیر استعداد درخشان بالاتر از دانشجویان استعداد‌های درخشان بود. برخی نتایج پژوهش اخیر با بخشی از یافته‌های به دست آمده از پژوهش‌های دیگر همگرایی دارد. پرت (۱۹۹۹) نیز از جمله ویژگی‌هایی که در پژوهش خود در تیزهوشان یافته، حساسیت هیجانی است. جلیوند (۱۳۷۴) نیز در پژوهش خود تفاوت‌هایی از نظر عوامل B و I مشاهده نموده است. همگرایی دیگری نیز در بررسی‌هایی که توسط کتل (۱۹۸۳) بر روی افراد فوق العاده خلاق دانشمند، هنرمند و ادیب انجام گرفته است وجود دارد. همچنین شوقسنی و همکاران (۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود در بالاتر بودن عامل B و Q1 و پایین تر بودن عامل G در آزمودنی‌های خود دست یافته اند که با نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر در مورد گروه استعداد درخشان مطابقت دارد.

همه پژوهش‌های ذکر شده تفاوت قابل ملاحظه‌ای، بخصوص در عامل B بین افراد تیزهوش و غیر تیزهوش گزارش نموده اند. تفاوت‌های دیگری نیز در برخی عوامل شخصیتی، از جمله حساسیت هیجانی، سلطه، درونگردي و خود اثربخشی گزارش شده است. به طوری که سابتینک و آرنولد (۱۹۹۳) اشاره نموده اند، چرخه‌های بازدارنده‌ای در موفقیت افراد تیزهوش وجود دارد که می تواند به زمینه، موقعیت، و عوامل شخصیتی وابسته باشد. عوامل رایجی که می تواند تبیین کننده موفقیت و شکست فرد تیزهوش بوده، در نهایت انگیزشی را برای فرد فراهم کند که او را به طرف موفقیت سوق دهد، تحمل شکست، قضاوت درست فرد از توانایی‌های خود، خواست فرد برای به کار گرفتن تلاش خود، روحیه رقابتی و پشتکار هستند.

داشتن ویژگی‌هایی چون پشتکار، دقت عمل، روشنفکری، تحلیلی بودن (عامل B) همراه با گرایش بیشتر به طرف پایداری هیجانی و نیرومندی من، خود کفایی، مهار اراده (عامل C) و امثال آن، فرد را مستعد تلاش و کوشش برای رسیدن به اهداف و گام نهادن به سوی موفقیت می نماید؛ به طوری که کرنکیز و همکاران (۲۰۰۰) در بررسی پژوهش‌های خود کوشیده اند آنچه را که می توان شخصیت تیزهوشی نامید، ارائه نمایند. آنها به پژوهشی (بلک و بلک ۱۹۸۰) اشاره نموده اند که داشتن حد متوسطی از مهار خود (مهار تکانه‌ها، خواست‌ها و هیجانات) و میزان بالایی از انعطاف پذیری من<sup>۱</sup> (ظرفیت پویای فرد در اصلاح خود برای اینکه بتواند بر اساس موقعیت در حد مطلوب رفتار نماید) فرد را قادر می سازد که بتواند در حد مطلوبی با مشکلات موقعیتی متنوع کنار

---

1. ego-resilience

آمده، وسازگار شود و برهمین اساس، این ویژگی به عنوان ویژگی شخصیت تیزهوشی در نظر گرفته شده است.

آنچه به عنوان نتیجه نهایی می‌توان عنوان نمود، همگرایی این پژوهش با پژوهشهایی (شوقنسی و همکاران، ۲۰۰۴؛ کرنکیز و همکاران، ۲۰۰۰؛ پرتز، ۱۹۹۹؛ جلیلود، ۱۳۷۴؛ و کتل، ۱۹۸۳) است که به نوعی به بررسی عوامل شخصیتی در افرادی که از توانایی ذهنی بالایی برخوردارند، پرداخته اند. همه آنها به نوعی به سازش یافتگی برتر شخصیت در این گروه اشاره نموده اند.

در خصوص ویژگیهای جمعیت شناختی، گرچه تفاوت سنی دو گروه از نظر آماری معنا دار نیست، ولی نتایج حاصله مبین سطح سنی کمتر، میانگین سنی ۱۹/۸۳، برای گروه استعداد درخشان و میانگین سنی ۲۰/۳۵ برای گروه غیراستعداد درخشان است. بنابراین گروه استعداد درخشان احتمالاً سالهای کمتری در انتظار ورود به دانشگاه بوده اند.

در خصوص تحصیلات والدین به ترتیب بیشترین تحصیلات پدر و مادر از آن گروه استعداد‌های درخشان است. همچنین از نظر میزان درآمد تفاوتی بین دو گروه مشاهده نشده است. در ارتباط با بالاتر بودن میزان تحصیلات پدر و مادر دانشجویان استعداد‌های درخشان و عدم تفاوت درآمد خانواده گروه اخیر با گروه غیراستعداد درخشان، احتمالاً می‌تواند منعکس کننده عدم ارتباط بین دارا بودن تحصیلات بالاتر و درآمد بیشتر در سطح جامعه باشد.

این پژوهش بر اساس محدودیتهایی از جمله تعداد نمونه و منحصر شدن آن به دانشجویان دانشگاه اصفهان، طراحی شده است. بنابراین، تعمیم پذیری نتایج را به ساختار روش مورد استفاده می‌کند. در صورتی که پژوهشهای بعدی بتوانند این محدودیتها را مرتفع سازند، نتایج بهتری را شاهد خواهیم بود.

## منابع

- ارلیچ، ویرجینیا. (۱۳۷۲). **کودکان تیزهوش**. تهران: الهدی.
- جلیلود، محمد امین. (۱۳۷۴). ویژگیهای شخصیتی دانش آموزان تیزهوش مراکز آموزشی استعداد‌های درخشان و دبیرستان‌های خاص شهر تهران. **مجله استعداد‌های درخشان**، سال چهارم، شماره ۱، صص ۳۰-۷.

سیاسی، علی اکبر. (۱۳۶۷). **نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی**. تهران: دانشگاه تهران.

کاظمی حقیقی، ناصرالدین. (۱۳۷۶). شخصیت نوجوانان مستعد. **مجله استعداد‌های درخشان**، سال ششم، شماره ۱، ص ۴۱-۳۲

کراز، ژ. (۱۳۶۸). **بیماریهای روانی**. مترجمان: پریخ دادستان و محمود منصور. تهران: ژرف.

نمکی، زهرا. (۱۳۷۶). مقایسه ویژگیهای شخصیتی دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر تیزهوش و عادی، **مجله استعداد‌های درخشان**، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۲۴.

هالاها، دانیل پی. و کافمن، جیمز ام. (۱۳۷۲). **کودکان استثنایی مقدمه‌ای بر آموزشهای ویژه**. ترجمه مجتبی جوادیان. مشهد: آستان قدس رضوی.

مای لی، ر. (۱۳۶۸). **ساخت، پدیدآیی، و تحول شخصیت**. ترجمه محمود منصور. تهران: دانشگاه تهران.

- Bireley, M. (1991). Learning styles: One way to help gifted adolescents understand and choose life styles. In M. Bireley and J. Genshaft (eds), **Understanding the gifted adolescent: Educational development and multicultural issues** (pp. 189-200). New York: Teachers Collage Press.
- Cattle, R. B. (1993). The processes of creative thought. In R. S. Albert. **Genius and eminence**. Oxford: Pergamon Press.
- Goldberg, L. R. (1993). The structure of phenotypic personality trait. **American Psychologist**, 48, 26-36.
- Porter, L. (1999). **Gifted young children**. Buckingham: Open University Press.
- Subotnik, R. F. and Arnold, K. D. (1993). Longitudinal studies of giftedness: Investigating the fulfillment of promise. In K. A. Heller, F. G. Monks and A. H. Passow. **International handbook of research and development of giftedness and talent**. Oxford: Pergamon.
- Shaughnessy, M. F., Greene, M., Misutova, M., Sumala, J., and Siltala, R. (2004). 16 PF Personality profile of gifted children: Preliminary report of an international study. **North American Journal of Psychology**, 6(1), 51-54.

- Sak, U. (2004). A synthesis of research on Psychological types of gifted Adolescents. *Journal of Secondary Gifted Education*, 15, (2), 70-79.
- Van Lieshout, C.F.M., Scholte, R. H. J. ,Van Aken, -M.A.G., Haselager, G. J. T., and Riksen-Walraven, J. M. (2000). The gifted personality: Resilient children and adolescents, their adjustment and personality. In C.F. M. Van Lieshout. And P.G. Heymans. *Developing talent across the life span*. Philadelphia: Psychology Press.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی